

غزل شماره ۲۰۵

تاز میخانه و می نام و نشان خواهد بود

سرما خاک ره پیرمغان خواهد بود

حلقه پیرمغان از ازم درگوش است

برهانیم که بودیم و همان خواهد بود

بر سر تربت ما چون کذری همت خواه

که زیارتگه زندان جهان خواهد بود

بروای زاهدِ خودبین که ز چشم من و تو
رازِ این پرده نمان است و نمان خواهد بود

ترکِ عاشق کُش من مست برون رفت امروز
تا دگر خون که از دیده روان خواهد بود

چشم آن دم که ز شوقِ تو نهد سر به نخد
تا دم صبح قیامت نکران خواهد بود

بختِ حافظِ گر از این گونه مدد خواهد کرد
زلفِ معشوقه به دستِ دگران خواهد بود

تفسیر فال

فکر می‌کنید وضعیت شما تغییر ناپذیر است و این احساس به شدت بر روحیه‌تان تأثیر گذاشته است، به گونه‌ای که باعث دل‌سردی و ناامیدی شما شده است. از یکنواختی زندگی خسته شده‌اید و این یکنواختی مانند سایه‌ای سنگین بر دوش شما نشسته است. ترس از عدم توانایی در ساختن آینده‌ای بهتر، گاه بر افکار شما غلبه می‌کند و حس ناامیدی را در وجودتان پررنگ‌تر می‌کند. اما باید بدانید که ناامیدی جایی در زندگی‌تان ندارد؛ زیرا تغییر و تحول به دست خود شماست. با همت و اراده قوی، می‌توانید گام‌های مؤثر برای ساختن زندگی مورد نظر خود بردارید. هر روز فرصتی تازه برای شروع دوباره است؛ بنابراین با عزمی راسخ به جلو حرکت کنید و سرنوشت خود را با دستان خود رقم بزنید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)